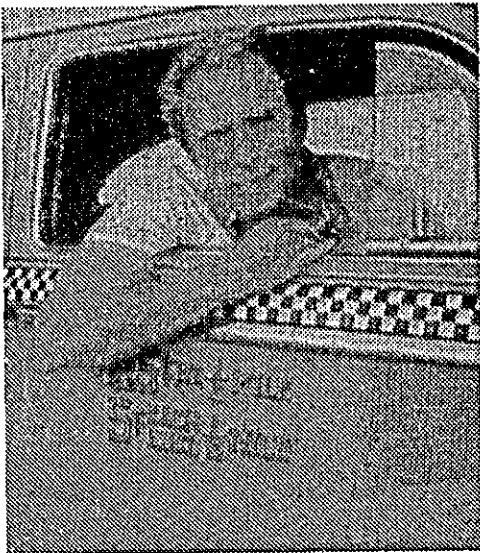


نیمه شب در باغ خیر و شر

■ حمید توران پور



چند سال پیش کلیت استودو کتاب «پل‌های مدیسون کانتی» را در دست گرفت و از روی آن فیلمی ساخت که به گفته منتقدان به مراتب بهتر از خود کتاب بود. آیا باز هم این اتفاق روی خواهد داد؟

زمانیکه فیلم «نیمه شب در باغ خیر و شر» روز جمعه به شکل محدودی اکران شد تماشاگر خاص خود را از قبل داشت. صدها هزار نفر این رمان جنایی را خریده بودند و بیشتر از سه سال، در فهرست پرفروشترین کتاب نیویورک تایمز قرار گرفته بود. محبوب بودن کتابها، در اقتباس و ساخت فیلم پیش شرطی اغواکننده به شمار می‌رود. هرچند که ظاهر این امر خوفناک است ولی ویلیام فریدکین با فیلم «جن‌گیر» شاهد فروشی حیرت‌آور بود و با استقبال مشتاقان ادبیات، فیلم «سر باد رفته» نیز به یکی از دوستاندشتی‌ترین فیلمهای تاریخ سینما تبدیل شد.

بعد از آن شاهد فیلم «آتش خودپرستی» ساخته برایان دی پالما بودیم که از روی کتاب پرفروش تام ولف ساخته شد و در اوایل دهه ۱۹۹۰ در فهرست پرفروشترین فیلمها قرار گرفت. همچنین فیلم «Dune» اثر دیوید لینچ که در سال ۱۹۸۴ مورد استقبال قرار گرفت از روی یک کتاب محبوب تخیلی - علمی اقتباس شده بود. پیش‌بینی می‌شود که طرفداران پروپا قرص کتاب «باغ» اثر جان برنت، ویراستار سابق مجله، گروه گروه به تماشای فیلم ایستودو بیایند و ببینند که وی چگونه مجموعه‌ای از عجایب ساوانایی آن کتاب را بر پرده سینما به تصویر کشیده است. در این فیلم «کوین اسپسی» در نقش جیم ویلیامز عتیقه فروشی که به قتل دوست حقه‌باز خود متهم است بازی می‌کند. ماجرای واقعه‌ای که در دهه ۱۹۸۰ تمام هوش و حواس شهر ساوانا را به خود معطوف کرده بود. شهری متین در ایالت جورجیا که به خاطر عدم همخوانی آن با دیگر ایالت‌های جنوبی و شاید هم جهان به شهرت رسیده است.

برنت پس از تماشای فیلم خود را هیجانزده و مشعوف توصیف کرد. ایستودو از فیلم کاملاً راضی بود و آن را تجربه خوبی می‌دانت. در مورد سندیت و اعتبار فیلم نباید شکی کرد چرا که درست در محل حادثه ساخته شده است. یکی از شخصیت‌های اصلی فیلم دختر چهلین است که توسط خود او نیز نقشش ایفا شده است. وی اعلام کرده بود تنها در زمانی قبول خواهد کرد که در فهرست نامزدهای اسکار قرار گیرد که در گروه بهترین بازیگران نقش مکمل زن آورده شود.

به کسانی که می‌گویند انتخاب ایستودو هنرپیشه نقشهای خشن سینما برای کارگردانی این فیلم امری محال

مخالفین دولت چین باشد. اما متأسفانه فرد دیگری فریادی سر نمی‌دهد. شاید این نوعی همدردی است که موضوعات جدی اخلاقی توسط افرادی مطرح می‌شوند که فکر و ذکرشان سرگرم کردن مردم است.

برخلاف فیلمهای هفت سال در تبت و کاندون (که قرار است در ۲۵ دسامبر نمایش داده شود) فیلم the wind Horse پل واگنر چهره تبت امروزی را نشان می‌دهد و واقعاً در خود آن کشور و نه در مکان‌های خارجی دیگر فیلمبرداری شده است. واگنر می‌گوید: «این فیلمی است که ارزش فرهنگ امروزی تبت را نشان می‌دهد. فرهنگی که در حال از بین رفتن است.» این فیلم هنوز توزیع کننده‌ای ندارد. امیدوارم کسی فکر نکند که ما در ساختن فیلم میالغه کرده‌ایم، در مورد مسائل چینی آدم افراطی نیستم اما آنچه که مرا آزار می‌دهد کمتر سخن گفتن ماست.

واگنر فیلم خود را با روشی ضربتی و با یک دوربین دیجیتال ویدئویی ظرف هفت هفته در تبت و نپال ساخت. معمولاً بازیگران غربی اجازه بازی در فیلم را ندارند و آونت مجبور شد تا مخفیانه بخشهایی از فیلم Red corner را در چین بسازد. گیر یکی از منتقدین سرسخت چینی از ورود به کشور منع شده است.

این فیلمهای در زمانی پخش می‌شوند که هالیوود تلاش می‌کند تا رهبران چین را متقاعد سازد تا درهای این کشور را بر روی فیلمها و برنامه‌های تلویزیونی آمریکایی باز کنند. در شرایط کنونی و با توجه به فروش داخلی بلیطهای سینما، تهیه کنندگان مجبورند به دنبال بازارهای جدیدی باشند تا درآمد خود را افزایش دهند.

چین و اتحاد جماهیر شوروی سابق آخرین بازارهای بزرگی هستند که هنوز پای کسی به آنجا نرسیده است. علی‌رغم به نمایش درآمدن چند فیلمی که در چند سال گذشته به خوبی مورد استقبال قرار گرفت (مثل فیلم Raise of the red lantern در سال ۱۹۹۱) صنعت فیلمسازی چین کوچک بوده و با فقدان حق آزادی بیان بسیار ناتوان است. کمپانی والت دیسنی برای راهپایی به چین، هنری کسینجر وزیر سابق امور خارجه ایالات متحده را استخدام کرده است. کسینجر و «یکل ایستر رئیس کمپانی والت دیسنی به ضیافت شامی که به افتخار زیانگ در کاخ سفید برپا شده بود دعوت شدند.

امروزه شرکتهای فیلمسازی ایالات متحده تنها می‌توانند در مجموع سالانه حدود ۱۰ میلیون دلار درآمد خالص را از چین، که با ۱/۲ میلیارد نفر پرجمعیت‌ترین کشور جهان می‌باشد، بدست آورند.

به گفته دیو دیویس کارشناس صنایع، با سرمایه‌گذاری بانکهای هولیوود، لاسکی، هووارد و زوکین در شمال آمریکا با داشتن جمعیت اندک چینی این درآمد به سالانه حدود ۹ بیلیون دلار می‌رسد.

به گفته دیویس یک شرکت فیلمسازی آمریکایی می‌تواند نسبت به کل چین در خود ایالات متحده در روز افتتاحیه تنها یک فیلم درآمد بیشتری را بدست آورد.

به عبارت دیگر هالیوود برای رقابت جهانی خود می‌بایست در چین حضور یابد و در واقع برای دانستن یک رقابت خلاقانه به همکاری آونت و اسکور سیزی نیاز دارد. در حال حاضر آنها هدفهای اختصاصی دو جانبه‌ای هستند. احتمالاً فیلمهای Red corner، هفت سال در تبت و Kundun در چین به نمایش درخواهند آمد و وجود صرف آنها موجب ناراحتی مقامات چینی را به دنبال خواهد داشت.

دیویس می‌گوید: وقتی که شما با یک مسأله جهانی سروکار دارید همواره خود را با شرایط سیاسی رودرو می‌باید. مقامات چینی در یک تغییر رأی غیرمنطقی اعلام کردند که برخی از فیلمهای جدید می‌توانند در هنگ‌کنگ سرزمینی که اخیراً بریتانیا آنرا به چین تحویل داده نمایش داده شوند. ولی صاحبان سینماهای هنگ‌کنگ اعلام کردند که تمایلی به پخش این فیلمها ندارند و نمی‌خواهند خطرات آنرا به جان بخرند.



از سرنوشت حقوق جهانی بشر و موضع منحصر به فرد و تحول‌طلبانه شرکتهای فیلمسازی بوجود می‌آید.

اکران جدیدترین فیلم چینی یعنی داستان جنایی «Red corner» یا دیدار هشت روزه زیانگ زمین رئیس جمهور چین از ایالات متحده مصادف شده است.

Redcorner و فیلم هفت سال در تبت که در اوایل ماه جاری بر روی پرده سینماها به نمایش گذاشته شد فشار افکار عمومی را بر زیانگ و نحوه رفتار و برخورد حکومت کمونیستی او با زندانیان سیاسی و تبت افزایش می‌دهد. دو فیلم آینده یعنی Kundun اثر مارتین اسکورسیزی و فیلم مستقل «The wind horse» نگرانی جهانی را در مورد اشغال منطقه هیمالیایی توسط چین، افزایش خواهد داد.

فیلم مستند و جدید تبت آزاد اثری موزیکال است که با سخنرانیهای طرفدارانه تقویت شده و در ۸ نوامبر برای اولین بار در نیویورک نشان داده خواهد شد. برای پخش سراسری این فیلم هنوز برنامه‌ای وجود ندارد. مبارزه جهانی برای آزادی تبت پیام فیلم «هفت سال در تبت» می‌باشد. داستان این فیلم در مورد دالایی لامای جوان و اشغال شهر لهما توسط چین است و واکنش شدیدی را بوجود آورده است.

جان اکرلی مدیر تبلیغاتی می‌گوید: گروه‌های تبلیغاتی در سینماهای نمایش دهنده فیلم ده‌ها هزار پرشور تبلیغاتی را توزیع کرده‌اند، و از زمان نمایش نخست آن در ۱۰ اکتبر بازدید مردم از هسته اصلی سازمان از ۵۰۰ نفر به حدود ۶۰۰/۰۰۰ نفر در هفته رسیده است.

بای‌لینگ بازیگر چینی فیلم Red corner می‌گوید: «از هالیوود متشکرم که فیلمهایی را در مورد چین می‌سازد به گفته او فیلم مؤثرترین روش در بازگویی این داستانهاست. برخی از فیلمسازان تعجب خود را از این موضوع بیان می‌کنند که فیلمهای هالیوودی بیشتر به مسائل غیراخلاقی می‌پردازد و ناگهان در مقام مرجع صالحی قرار می‌گیرد که مورد اعتماد همگان است.

یان آونت کارگردان فیلم Red corner در گزارشی از یک مسئول آمریکایی که به نحو دروغین به قتل متهم و محکوم شده است می‌گوید: هالیوود نباید صدای اصلی

است، یادآور می‌شویم او بود که یک داستان عشقی بسیار احساسی را دست مایه خود قرار داد و با توانایی به آن معنا و فضا بخشید بطوریکه مرید استریب در زمره نامزدهای دریافت جایزه اسکار قرار گرفت.

ایستود به محض خواندن فیلمنامه در یک کنفرانس خبری گفت: «واقعاً سر در نمی‌آورم که چرا تا به حال برای به فیلم در آوردن این اثر تلاشی انجام نگرفته است. سپس این کارگردان ۶۷ ساله که به خاطر کارگردانی فیلم نابخشوده جایزه اسکار را به خود اختصاص داده بود گفت: اکنون من در مرحله‌ای از زندگی قرار دارم که نمی‌خواهم به تکرار خود بیاندیشم. دوست دارم کارهای متفاوتی را انجام دهم.»

او می‌گوید: داستان‌سرایی، داستان‌سرایی است. در این دوران وقتی که با سیل تصاویر سریع MTV روبرو می‌شویم و یا داستان‌هایی می‌شنویم که کلاً برای ایجاد جلوه‌های ویژه و دیگر حقه‌ها مناسب هستند، فکر می‌کنم چقدر خوب است به شیوه قدیمی داستان‌سرایی که در آن با شخصیتها سروکار داریم توجه کنیم.

شخصیتها و چهره‌ها موضوعی بودند که این کتاب بر روی آنها تأکید فراوان داشت و ایستود هم که در سالهای اخیر به بازیگری اشتغال داشت تا کارگردانی گفت، اینکه به نظر می‌رسید عناصر این داستان با شخصیت او - مثل یک موبد و عضو هیئت ژوری که مگسائی دست‌آموز را با تکه نخی به یکدیگر وصل کرده نگه می‌دارد - همخوانی ندارد از جهاتی عواملی هستند که این فیلم را جذاب می‌سازند. به گفته او: جالب است که از چیزی داستان بگویند که شما نمی‌فهمید و یا از مردمی سخن گفته شود که بهره‌ای از احساسات شما نبرده‌اند. ولی این موضوع آنچنانکه که جلوه می‌کند بیگانه و ناشناخته نمی‌باشد. ایستود می‌گوید: در مورد افراد و فردیت آنها داستانهای زیادی ساخته‌ام. وی با اشاره به فیلم سال ۱۹۸۰ خود به نام برانکو بیلی و جمله پایانی آن می‌گوید: من همانم که می‌خواهم باشم. و از آنجاییکه چاپلیس همانی است که باید باشد و همه افراد همان کسانی هستند که می‌خواهند باشند جالب است داستانی شبیه به آن بار دیگر ذکر شود. ایستود تنها از «Miss world» سابق تحسین می‌کند که با تلاش فراوان موفق شد نقش خود را بدست آورد. وی رابطه خود را با Miss world بسیار عالی توصیف می‌کند. می‌گوید: او با این شخصیت زندگی می‌کند. ایفای چنین نقشی در یک فیلم بسیار مشکل است، بازیگرانی که چنین نقشی را بر عهده می‌گیرند می‌خواهند با سعی و تلاش فراوان مشکلات را رفع کنند ولی در آخر به بن‌بست می‌رسند. و بازی در آن نقش برای او بسیار ساده بود چرا که او همواره آنرا اجرا می‌کرده است.

ایستود گفت: همواره در برابر شیوه زندگی مردم بسیار شکیبا بوده‌ام و فکر می‌کنم داستان نیز چنین پیامی

دارد. انصافاً باید گفت که یک چهره خشن بودن شایسته ایستود نمی‌باشد، این ذهنیت بیشتر بر اساس فیلمهای قدیمی‌اش چون سریال هری کشیف و فیلمهای وسترن سرچیو لئونه در دهه ۱۹۶۰ بوجود آمده است.

به هر حال او فردی است که نه تنها کهنه نوزادان را عوض می‌کند بلکه به سادگی انجام آنرا هم می‌پذیرد. و اگر چنین کاری شخصیت را از بین نبرد، آواز «Accentuate the positive» او در نوار صدای فیلم اینکار را خواهد کرد. «Gabro Laughs» (گابرو می‌خندد) عبارتی است که بر پوستری یکی از فیلمهای دهه ۱۹۳۰، (نینوچکا) به چشم می‌خورد و حالا هم «این کلیت ایستود است که می‌خواند.»

او بر مردم تأثیری نمی‌گذارد. وقتی که از ایستود در مورد وضعیت قدیس‌گونه‌اش می‌پرسیم، با بی‌اهمیت خواندن آن می‌گوید: پس از گذشت چهل سالی که در صحنه هستم مردم به خود می‌گویند: خوب او کنار نخواهد رفت حدس می‌زنم باید به نامی بخوانیمش.

جشنواره فیلم قاهره یا برقراری یک خیمه شب بازی

بیت و یکمین جشنواره فیلم قاهره در سخت‌ترین شرایط امنیتی در شهر قاهره پایتخت کشور مصر شروع شد. امسال این جشنواره را دو موضوع مهم تحت‌الشعاع خود قرار داده است، یکی ماجرای لوكسور است که در هفدهم نوامبر در مصر رخ داد که در این ماجرا تعدادی از توریستهای خارجی در آنجا کشته شدند و این ماجرا تأثیر بسیاری روی نحوه برگزاری جشنواره فیلم قاهره گذاشته و سبب شده است تا ملاحظات امنیتی نسبت به سالهای گذشته تشدید گردد. به دفعات زیاد میهمانان این جشنواره از قبیل کارگردانان صاحب نام و حتی اعضاء هیأت داوران بارها و بارها مورد تفتیش و بازرسی بدنی قرار گرفته‌اند. برای نمونه وقتی هنرمندان و یا میهمانان جشنواره سوار اتوبیلهایشان می‌شوند تمامی اتوبیل و وسائل شخصی آنها مورد بازرسی قرار می‌گیرد. موضوع تشدید مسائل امنیتی باعث شده است که تعداد زیادی از میهمانان و هنرمندان خارجی در آخرین لحظه سفرشان را به قاهره لغو نمایند. البته مقامات جشنواره نمی‌خواهند موضوع را سیاسی جلوه دهند و اعتراف نمایند که علت انصراف و نیامدن بعضی از هنرمندان تشدید مسائل امنیتی بوده است ولی حول و حوش جشنواره شایعات بسیاری در جریان است برای نمونه هنرپیشه معروف آمریکایی فردی هریسون و یا آلن پارکر سفرشان به قاهره را بخاطر همین مسائل لغو نموده‌اند.

موضوع دیگری که روی نحوه برگزاری جشنواره امسال قاهره اثر گذاشت درگذشت ناهنگام رئیس جشنواره صدرالدین وهباب بود. در ضمن وهباب یکی از فیلمنامه‌نویسان معروف دنیای عرب محسوب می‌گردید. فوت صدرالدین وهباب درست دو هفته قبل از شروع برگزاری جشنواره رخ داد و مقامات مصری بجز خانم سوفی عبدالقادر که مدیر هنری جشنواره بود را نیافتند تا مسئولیت ریاست جشنواره را

باو واگذار نمایند. به دلیل درگذشت وهباب، در شب افتتاحیه جشنواره فیلم قاهره مراسم ویژه‌ای در بزرگداشت او برگزار گردید.

جشنواره فیلم قاهره همچون دیگر جشنواره‌های متداول، از چندین بخش تشکیل شده است: بخش مسابقه، بخش نمایش فیلمهای جشنواره، بخش مرور جامع بر فیلمهای یک هنرمند و بخش بازار فیلم. در قسمت مسابقه بیشتر فیلمهای انتخاب شده از کشورهای بالکان همچون یوگسلاوی سابق، مجارستان و یونان و همچنین از کشورهای عربی از جمله کشورهای مسلمان شمال آفریقا مانند الجزایر، تونس و دو فیلم از کشور میزبان (مصر) می‌باشد.

ریاست هیأت داوران بیت و یکمین جشنواره فیلم قاهره را، امسال آقای مایکل گوتزار بر عهده دارد. مایکل گوتزار رئیس جشنواره فیلم شبیکاکو می‌باشد که ضمناً در رانداندازی جشنواره فیلم تهران نیز نقش کلیدی را ایفا نمود.

روش کار مایکل گوتزار در نحوه هدایت تیم داوران بدین ترتیب است که یکبار اواسط کار جشنواره جلسه هیأت داوران را تشکیل می‌دهد و اگر قرار است فیلمی حذف شود آنرا از دور مسابقه خارج می‌کند و یکبار دیگر هم در آخر جشنواره تشکیل جلسه می‌دهد تا فیلم برتر را معرفی نماید.

مأسفانه تبلیغات مسموم رسانه‌های طرفدار غرب و صهیونیسم آنچنان در طیف وسیع نسل جوان کشور مصر بخصوص در پایتخت آن کشور رخنه کرده است که اکثر جوانان مصری با مسائل و مشکلاتی که کشورشان درگیر با آنها است یا بیگانه می‌باشند و یا در مرز بی‌تفاوتی قرار دارند.

از نکات مهم جشنواره فیلم قاهره می‌توان به عدم حضور فیلمهای جمهوری اسلامی اشاره نمود چهار سال پیش قرار بود جشنواره مروری بر آثار و فیلمهای یک هنرمند ایرانی داشته باشد ولی با اعمال نظر مقامات طرفدار سیاستهای آمریکا و اسرائیل این امر تحقق پیدا نکرد.

■ مهندس جعفری

گرافیک

مجله گرافیک اولین ماهنامه تخصصی هنر گرافیک ایران از سال ۱۳۷۱ تا کنون منتشر می‌شود. این مجله حاوی اطلاعاتی در زمینه هنرهای تجسمی و هنرهای وابسته به گرافیک می‌باشد که از آخرین منابع هنری، در جهان تأمین می‌گردد. هنرمندان و علاقمندان به هنر، جهت ارتقای سطح کمی و کیفی اطلاعات خود به صورت تئوری و عملی می‌توانند با اشتراک این مجله امکان دستیابی به این آخرین اطلاعات را فراهم آورند. لطفاً جهت اشتراک نشریه گرافیک حق اشتراک سالانه خود را به مبلغ ۶۰۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۰۲۰۲۹۳۲ به نام نشریه گرافیک بانک تجارت شعبه سعدی شمالی (قابل پرداخت در کلیه شعب) واریز نموده و اصل فیش یا فتوکپی آن را به همراه فرم تکمیل شده زیر به صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۶۱۴۴ تلفن و فکس: ۶۴۵۶۶۴۱ ارسال نمایید.

صندوق پستی تاریخ

کد پستی تلفن

آدرس نام خانوادگی

میزان تحصیل نام
 نام
 نام
 شماره اشتراک: